

تبیین جایگاه توسعه ناموزون در گرایش به قاچاق کالا (از منظر شهروندان بانه‌ای)^۱

عابد اصلانی اسلمرز ab_1634@yahoo.com^۲،

سیف الله ساعدی^۳.

تاریخ پذیرش ۱۳۹۹/۰۸/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۱۴

چکیده:

حقیق حاضر درصدد بررسی این سؤال است که آیا بین توسعه نیافتگی و گرایش به قاچاق کالا ارتباط معنی داری وجود دارد؟ روش تحقیق در پژوهش حاضر پیمایش و ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه توام با مصاحبه می‌باشد. جامعه‌ی آماری پژوهش، مرزنشینان شاغل در امر قاچاق شهرستان بانه در سال ۱۳۹۳ می‌باشد. حجم نمونه ۳۸۱ نفر بوده که از طریق فرمول کوکران و با روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی نامتناسب جامعه نمونه به سه دسته کولبران، بازاریان و قاچاقچیان تقسیم شده و در مرحله بعد برای بازاریان و کولبران از روش نمونه‌گیری هدفمند و در دسترس استفاده شده و برای قاچاقچیان از روش نمونه‌گیری گلوله برفی استفاده شده است.

نتایج بدست آمده در این تحقیق نشان می‌دهد که نحوه فعالیت در قاچاق کالا و گرایش به قاچاق ارتباط معنی داری وجود دارد کولبران مشارکت در کار قاچاق را نه از سر رضایت بلکه از سراجبار انجام می‌دهند و قاچاقچیان و تاحدی فروشندگان به دلیل سودجویی و میزان درآمد زیاد قاچاق گرایش بیشتری به قاچاق دارند و حاضر نبوده در صورت امکان با مشاغل دولتی تغییر دهند. بین فشار ساختاری با متغیر وابسته (گرایش و پذیرش قاچاق به عنوان یک شغل مشروع) ارتباط معنی داری به صورت مستقیم و مثبت وجود دارد. همچنین بین شکاف بین اهداف و ابزار دستیابی به آن و گرایش به قاچاق

۱. پژوهش حاضر بخشی از طرح پژوهشی تحت عنوان «بررسی علل و عوامل موثر بر قاچاق کالا از منظر مرزنشینان (مطالعه موردی شهرستان بانه)» است که با حمایت مالی و معنوی فرماندهی مرزبانی جمهوری اسلامی ایران و مرزبانی استان کردستان انجام شده است.

۲. کارشناس ارشد علوم سیاسی (روابط بین الملل) پژوهشگر مسائل کردستان

۳. کارشناس ارشد علوم سیاسی سیاسی

کالا ارتباط معنی داری وجود دارد که این ارتباط به صورت مثبت و مستقیم است به این معنی که هرچه بر شکاف بین اهداف و ابزارمشروع افزوده شود مشروعیت قاچاق نزد فرد افزوده خواهد شد و اقدام به قاچاق کالا نیز افزونتر خواهد شد. بین توزیع نابرابر امکانات و گرایش به قاچاق کالا نیز ارتباط معنی داری وجود دارد که این ارتباط به صورت مثبت و تقسیم است. چنین بین بیکاری و احساس محرومیت و گرایش به قاچاق کالا ارتباط معنی داری وجود دارد.

واژگان کلیدی:

قاچاق، کولبر، بانه، مرزنشین، کردستان، محرومیت نسبی، عدالت توزیعی.

مقدمه:

امروزه پدیده قاچاق به عنوان یکی از معضلات کشورها بویژه کشورهای در حال توسعه درآمده است و توانسته با اختصاص بخش عظیمی از اقتصاد کشورها به خود برنامه ریزی‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را با اختلال مواجهه نماید. از لحاظ لغوی و ریشه شناسی؛ قاچاق کلمه‌ای است ترکی، از مصدر قاچماق به معنای فرار کردن و در اصطلاح قاچاق کالا را وارد کردن یا صادر کردن متقلبانه کالای مشمول حقوق گمرکی یا سود بازرگانی یا عوارض دولتی بدون پرداخت حقوق مالی دولت؛ خواه کالای مزبور هنگام ورود یا خروج مجاز باشد یا مجاز مشروط یا غیر مجاز، یا حمل و نقل متقلبانه یا خدعه آمیز، کالای ممنوعه یا هرگونه اقدام ناقض شرط یا محدودیت قانونی خاص مقرر بر کالاها، دانسته‌اند (احمدی، ۱۳۸۵: ۸). در قانون بودجه سال ۸۱، نمایندگان مجلس شورای اسلامی تعریفی از قاچاق ارائه کردند مبنی بر اینکه، همه کالاهایی که بدون تشریفات قانونی و حقوق ورودی و عوارض متعلقه و خارج از مبادی رسمی کشور (گمرک) وارد یا خارج شود. این کالا در هر جایی اعم از مرز، مبادی ورودی، انبارها در حین حمل و نقل یا در مراکز عرضه مشاهده شود، قاچاق محسوب می‌گردد. کالایی که شناسنامه نداشته باشد که از کجا آمده و تشریفات قانونی در آن رعایت نشده باشد. طبق قانون مصوب مجلس، قاچاق تعریف می‌شود (ژاله رحمانی، ۱۳۹۰). به عبارتی دیگر ورود و خروج هرگونه کالا از مرزهای یک کشور بدون طی کردن تشریفات قانونی مربوط به واردات و صادرات کالا را قاچاق کالا گویند که بنابر ماده ۲ قانون مقررات صادرات و واردات، کالاهای صادراتی و

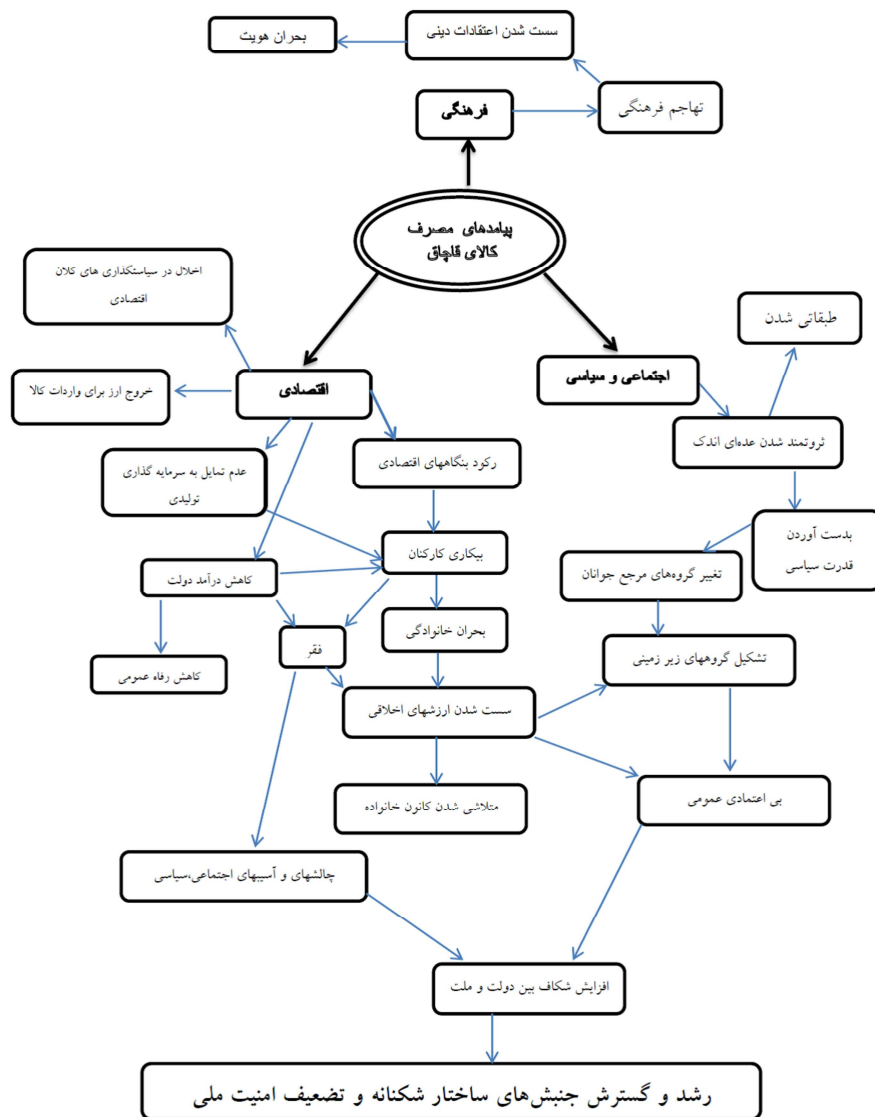
وارداتی به سه گروه مجاز، مشروط و ممنوع تقسیم می‌شوند و انگیزه‌های اقدام به هر کدام نیز متفاوت است.

الف- قاچاق ورودی کالاهای غیرمجاز (ممنوع و مشروط). ورود هرگونه کالای ممنوع یا کالاهایی که ورود آنها مستلزم اخذ مجوز است از هر طریق موجب پدیده قاچاق می‌شود. انگیزه این اقدام عدم امکان ورود این کالاها به داخل کشور است.

ب- قاچاق ورودی کالاهای مجاز: ورود هرگونه کالای مجاز که از طریق غیرمجاز صورت گیرد موجب پدیده قاچاق می‌شود. انگیزه این اقدام فرار از موانع موجود تعرفه‌ای یا غیر تعرفه‌ای و یا پرهزینه بودن ورود این کالاها به داخل کشور است.

ج- قاچاق صدور کالاهای یارانه‌ای و غیر آن: خروج کالای یارانه‌ای از کشور موجب بروز پدیده قاچاق می‌شود. انگیزه این اقدام انتفاع از تفاوت قیمت کالای یارانه‌ای در داخل کشور با کشور همسایه می‌شوند (تاری، غلامی باغی، ۱۳۸۵: ۵۰).

تقسیم بندی فوق براساس نوع کالا صورت گرفته است. متخصصان در تقسیم بندی دیگری که بیشتر بر شیوه و روش قاچاق است، به قاچاق و شبه قاچاق تقسیم نموده‌اند. درحالت قاچاق عوامل تجاری غیرقانونی، کالایی را به صورت غیررسمی و مخفیانه بدون پرداخت حقوق گمرکی و رعایت ضوابط تجاری وارد کشور کرده یا از آن خارج نمایند و در حالت دیگر؛ عوامل تجاری قانونی، فعالیت تجاری قانونی را به عنوان پوششی برای انجام اعمال متقلبانه در تجارت مانند؛ دستکاری در اسناد تجاری قرار دهند که به این حالت شبه قاچاق گفته می‌شود (پوران، ۱۳۸۹: ۶). شبه قاچاق توسط باندهای با نفوذ تحت عنوان قاچاق قانونی صورت گیرد. مقصود از آن، صدور مجوزهای خاص (انحصارطلبی رانت‌خواری) وارداتی به شخصیت‌ها و گروه‌های سیاسی یا نهادهای خاص می‌باشد (سلطانی نژاد، ۱۳۸۹: ۴) (اقتصاد پنهان، ۱۳۸۸: ۳۳). قاچاق کالا از هر نوع و با هرهدفی که باشد آثار و پیامدهای مخربی در ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی برای کشورها به بار خواهد آورد که در نمودار ذیل به صورت خلاصه به این پیامدها اشاره شده است:



در ایران نیز قاچاق و تبعات آن در لایه‌های مختلف اقتصاد جمهوری اسلامی ریشه دوانیده است و مسبب ایجاد معضلات اقتصادی و اجتماعی و به تبع آن سیاسی-امنیتی برای کشور شده است. هرچند که دستیابی به آمار دقیق به دلیل آنچه که به آن اقتصاد زیرزمینی و یا اقتصاد پنهان می-گویند دشوار است، اما بررسی‌های آماری کارشناسان اقتصادی حکایت از سهم ۲۰ تا ۳۰ درصد از فعالیت‌های اقتصادی ایران به قاچاق کالا و اقتصاد زیرزمینی است، حدود ۵۰ درصد از فعالیت‌های زیرزمینی را قاچاق به خود

اختصاص می‌دهد (موسایی و احمدزاده، ۱۳۸۹: ۷۰). بر اساس سخنان محمدصادق مفتاح قائم مقام وزیر صنعت، معدن و تجارت، سالانه ۱۴ تا ۲۰ میلیارد دلار قاچاق به کشور صورت می‌گیرد که اگر هزینه ایجاد هر شغل ۷۰ هزار دلار باشد، ۲۰۰ هزار فرصت شغلی از بین می‌رود، یک‌هزار و ۸۰۰ میلیارد تومان فرار مالیاتی خواهیم داشت (تهران امروز، ۱۳۹۲: ۶).

بدون شک در ایجاد پدیده و معضل قاچاق مانند سایر پدیده‌ها علل و عوامل مختلفی نقش داشته‌اند از جمله این عوامل که پژوهش‌های مختلفی به آن اشاره نموده‌اند می‌توان به توپوگرافی و ناهمواری‌های مناطق مرزی، بی‌ثباتی کشورهای همجوار و تعارض قوانین اقتصادی داخل با کشورهای همسایه و حتی پیوستگی‌های قومی و فرهنگی، دو سوی مرز، اشاره نمود. پژوهش حاضر علاوه بر تاکید بر اهمیت عوامل مذکور در گسترش قاچاق کالا، نقش اساسی و محوری در ایجاد معضل قاچاق را در توسعه نیافتگی مناطق مرزی، ریشه‌های عمیق‌تر در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، رشد سریع و نامتقارن شاخص‌های توسعه‌ای، باعث عدم تعادل اقتصادی و نابرابری معیشتی میان مناطق و استان‌های مختلف شده است. به عبارت دیگر، اختصاص غیراصولی منابع و امکانات به مناطق برخوردار و محرومیت سایر مناطق موجب نابرابری‌های منطقه‌ای از لحاظ توسعه اقتصادی می‌شود. توسعه ناموزون که بعنوان نتیجه نفوذ نظریه‌هایی مانند قطب‌رشد در میان سیاست‌گذاران ایرانی در چند دهه گذشته بوده است طبق این نظریه؛ توسعه همه جا و در یک زمان اتفاق نمی‌افتد، بلکه ابتدا با شدت متفاوت در قطب‌های توسعه ایجاد شده و سپس در کانال‌های مختلف پخش و نهایتاً کل اقتصاد را تحت تاثیر قرار می‌دهد به عبارت دقیق‌تر برای رشد و توسعه کشور، باید به دنبال گسترش صنایع در شهرهای بزرگ بود. نمود عملی این دیدگاه را می‌توان در برنامه چهارم توسعه (۵۱-۱۳۴۷) و پنجم توسعه (۵۶-۱۳۵۲) ایران یافت که عمده صنایع بزرگ علاوه بر تهران در شهرهایی مانند اصفهان، اراک، اهواز و تبریز ایجاد گردید و این شهرها را به قطب‌های صنعتی ایران تبدیل نمود. اما برخلاف انتظار آنچه که تاکنون تحقق نیافته تسری توسعه یافتگی از قطب‌ها به سایر مناطق بوده و بالعکس روز به روز شکاف میان این قطب‌ها و سایر مناطق بیشتر شده است. نتیجه این اقدامات، منجر به فاصله گرفتن کشور از اهداف ترسیم شده برای توسعه اقتصادی شده که تاثیر مستقیم و بلافاصله خود را بر استان‌های محروم و

عمدتاً حاشیه‌ای و مرزی کشور در روی آوردن به اشکال مختلف اقتصاد پنهان از جمله قاچاق کالا می‌شود. مدعای این آماری است که می‌توان در دو جدول زیر مشاهده نمود:

رتبه در کشور	درجه توسعه	استان‌ها	سطوح توسعه
۲۴	۰/۳۷۵۳	خراسان شمالی	توسعه نیافته
۲۵	۰/۳۷۵۳	هرمزگان	
۲۶	۰/۳۷۴۹	کردستان	
۲۷	۰/۳۷۳۱	آذربایجان غربی	
۳۱	۰/۳۰۲۸	سیستان و بلوچستان	

جدول فوق میزان توسعه یافتگی استان‌های مرزی کشور و رتبه بندی آنها را در بین استان‌های کشور از لحاظ توسعه نشان می‌دهد بر اساس جدول زیر که از امار گمرک در سال ۱۳۹۱ اخذ شده است، بیشترین پرونده‌های مربوط به قاچاق را دارا می‌شوند.

ردیف	استان‌ها	تعداد پرونده‌ها	سهم از کل کشور
۱	آذربایجان غربی	۴۵۹۹	۱۸,۵۵
۲	سیستان و بلوچستان	۳۹۷۹	۱۶,۰۵
۳	خراسان شمالی	۲۱۹۴	۸,۸۵
۴	هرمزگان	۱۸۵۰	۷,۴۶
۵	کردستان	۱۶۲۱	۶,۵۴

برگرفته از آمار گمرک جمهوری اسلامی ایران به نقل از (مرکز پژوهش، آمار و اطلاعات ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز، ۱۳۹۲)

هرچند که استان‌های فوق بالاترین میزان پرونده‌ها را در ارتباط با قاچاق دارند اما به جرات می‌توان گفت قاچاق در انواع مختلف خود در تمامی مرزهای ایران به درجات مختلف صورت گرفته در این میان استان کردستان و بخصوص شهرستان بانه در چند سال اخیر از اهمیت ویژه‌ای در واردات قاچاق کالا پیدا نموده است. این شهر که تا چند سال پیش تنها یک خیابان مرکزی با تعداد محدودی مغازه بود، امروزه تبدیل به بازاری با پاساژهای چند طبقه مملو از انواع و اقسام کالاهای نایاب و کمیاب خارجی، از لوازم خانگی گرفته تا مواد آرایشی و بهداشتی و چای، سیگار و ... شده است. بازار بانه بیشتر از همیشه پذیرای مسافرانی از سراسر ایران است که برای محصولات ارزان قیمت خستگی

صدها کیلومتر سفر را به جان می‌خرند. رونق بازار قاچاق کالا به عنوان ماحصل تقاضای روز افزون برای خرید جنس قاچاق ارزان قیمت به همراه سود سرشار آن، موجب تغییرات فرهنگی، اجتماعی و حتی اقتصادی زیادی در بانه و موجب تغییر در ساختار شغلی مرز پیمان شده. تمایل برای سرمایه گذاری در بخش صنعتی و تولیدی را به حد پایینی رسانده است. در مجموع این پرسش اساسی مطرح می‌شود چرا با وجود صرف هزینه‌های کلان مادی و معنوی اعم از تلفات انسانی، بودجه‌های کلانی که صرف تصویب و تغییر قوانین، تشکیل همایش‌ها و جلسات و برقراری کارگروه‌های مبارزه با قاچاق که گاهاً به تشدید شکاف‌های موجود بین دولت و مردم مناطق مرزی می‌شود، معضل قاچاق سالانه ۱۴ تا ۲۰ میلیارد دلار از اقتصاد ایران را شامل می‌شود؟ راز و رمز استمرار پدیده قاچاق چیست؟ به چه دلیل یا دلایلی قاچاقچی یا کوله‌بر علی‌رغم آگاهی از خطرات جانی و مالی حاضر به قاچاق خواهد شد؟ در راستای پاسخ به سوالات فوق پژوهش حاضر سعی دارد با رویکردی عمدتاً اقتصاد نیم‌نگاهی هرچند مختصر به رویکردهای جامعه‌شناختی، حقوقی و ... ی به پاسخ به این سوالات از منظر مرزنشینان بانه‌ای پردازد.

چارچوب نظری:

پژوهش حاضر در موشکافی تئوریک چرایی تولید رفتارهای نابهنجار اجتماعی (قاچاق کالا) که ریشه‌های متعدد درون فردی و برون فردی داشته، از پارادیم‌های اجتماعی و اقتصادی بهره برده است. قدیمی‌ترین نظریه مربوط به افلاطون فیلسوف یونانی است که هنوز هم اعتبار خود را حفظ کرده. وی معتقد است که حرص، رقابت و تجمل پرستی و دوری از قناعت را علت پیدایش جرم می‌داند و عملکرد نهادهای اقتصادی، افزایش تضاد میان فقرا و ثروتمندان را بر گسترش جرایم اقتصادی موثر می‌داند. (صوفی، ۱۳۸۳: ۵۹). لایمن از دیگر نظریه پردازان جرم شناس، براین باور است که برخی از جرایم از شرایط خاص روانی افراد نشات می‌گیرد و مادام که فرصت‌های اجتماعی اندکی پیش روی فرد باشد، فرد به جمع آوری منافع نامشروع از راه‌های غیر قانونی می‌پردازد (وطن پور، ۱۳۸۹: ۹۵).

- نظریه فشار ساختاری:

رابرت مرتن جامعه شناس آمریکایی نظریه فشار ساختاری خود را بر پایه نظریه

آنومی دورکهایم ارائه داد. مرتن معتقد است که منشاء انحراف افراد، ساختار و فرهنگ اجتماعی است. از نظر وی زمانی که ارزش‌های اجتماعی سلطه هنجاری خود را از دست می‌دهند، جامعه به یک نوع وضعیت بی‌هنجاری مبتلا می‌شود و کج‌رفتاری و واکنشی به این وضعیت بی‌هنجاری است و اینجاست که شکاف بین اهداف مقبول و ابزار مشروع جلوه می‌کند به عبارت ساده‌تر دستگاه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حاکم جامعه یک‌سری اهداف (که در اینجا مقبول فرض شده است) را پیش روی افراد اجتماعش قرار داده ولی چون ابزارهای مثبت رسیدن به آن هدف‌ها را به اجتماعش ارزانی نداشته در نتیجه اجتماع خود به ابزار سازی اقدام خواهد کرد (چمراسی، ۱۳۹۰). از نظر مرتن این ابزار سازی به ۵ شیوه ممکن است رخ دهد:

انطباق یا هم‌نوایی؛ شایع‌ترین پاسخ است. فرد به سادگی وضعیت را می‌پذیرد و همچنان در قلمرو محدود وسیله‌های متعارف موجود، برای رسیدن به موفقیت تلاش می‌کند.

نوآوری؛ که شایع‌ترین پاسخ کجروانه می‌باشد؛ فرد به اهداف متعهد باقی می‌ماند، ولی از وسایل نامشروع برای نیل به آنها استفاده می‌کند.

شورش؛ در این حالت فرد سیستم مبتنی بر وسیله و هدف را بطور کامل رد می‌کند و آن را با سیستم جدیدی، مانند براندازی خشونت بار سیستم، جایگزین می‌کند.

انزوگرایی؛ این حالتی که پاسخ گریزمندانه فرد به وضعیت بی‌هنجاری و فشار است. در این حالت فرد از جامعه برون می‌افتد و آرمان و تلاش برای نیل به آنها را می‌کند. مرتن، الکلی‌ها، معتادان به مواد مخدر، ولگرد‌ها و افراد دچار امراض شدید روانی را در این حالت قرار داده است.

آیین‌گرایی؛ پاسخ دیگری است که در آن فرد تلاش برای جلو رفتن را کنار می‌گذارد و روی اندک چیزی که از رعایت دقیق و حریم‌های هنجارها به دست می‌آید، تمرکز می‌کند.

از نظر مرتن، نوآوری؛ شایع‌ترین حالت سازگاری غیر انطباقی در میان اعضای طبقه پایین است. بنابراین نرخ بالای کجروی در طبقه پایین، براساس موقعیت آن در جامعه ضیح داده می‌شود که آن را در معرض سطح بالای فشار ناشی از بی‌هنجاری قرار می‌دهد.

این فشار بر اساس انفکاک رویای برابری جامعه و موفقیت برای همه از یک سو و نابرابری حقیقی در توزیع فرصت‌ها برای تحقق آن رویا از سوی دیگر ایجاد می‌شود. این نابرابری برای اعضای طبقه پایین و گروه‌های اقلیت بیشترین شدت را دارد (جوانمرد، ۱۳۹۰: ۱۱۲).

به عبارت دیگر محرومیت در رسیدن به اهداف و یا وسایل دستیابی به آن باعث ایجاد سرخوردگی و ایجاد تعارض گشته و وقتی افراد جامعه بین اهداف ضابطه‌ها و وسایل نهادی یا امکانات دست نمی‌یابند، تعهد افراد نسبت به جامعه سست شده افراد دست به رفتار انحرافی می‌زنند که یکی از پیامدهای انحرافات و بی‌هنجاری شورش می‌باشد (ازکیا، رهنما، ۱۳۸۷: ۴۱-۴۰) بطور مثال مرتن می‌گوید تحصیل ثروت یکی از اهداف و آرزوهای مهم مردم و آمریکایی‌هاست برای دسترسی به آن سخت سرگرم تلاشند؛ اما بسیاری از طالبان ثروت به ویژه گروه‌های اقلیت راه‌های رسیدن به آنرا مسدود می‌بینند به ناچار به سوی رفتارهای انحرافی سوق داده می‌شوند. بدین ترتیب افراد ثروت و قدرت را از طریق‌هایی چون قاچاق، فحشا، جرایم سازمان یافته، دزدی، اختلاس و ... بدست می‌آورند. در این زمان اگر منافع شخصی بر منافع جمعی ارجحیت یابد و کسب موفقیت فردی تنها هدف فرد باشد، قواعد موجود قدرت خود بر تنظیم امور را از دست داده و احترام به مقررات کلی ارزش خود را از دست می‌دهند و نهایتاً فروپاشی یکپارچگی جامعه شناسان اتفاق می‌افتد (عبدالحمیدی، ۱۳۸۹: ۱۹۱)

- نظریه کلوارد و اوهلین: خرده فرهنگ‌های بزهکاری و فرصت افتراقی:

مدت کوتاهی پس از انتشار نظریه کوهن، ریچارد کلوارد و لوید اوهلین نظریه فرصت افتراقی را برای تبیین بزهکاری ارائه دادند. صرف این‌که فرصت‌های مشروع در دسترس نیستند، لزوماً به این معنا نیست که فرصت‌های نامشروع آزادانه قابل دسترس هستند. برخی از نقش‌های نامشروع ممکن است در دسترس باشند ولی برخی دیگر ممکن است اصلاً در دسترس نباشند. همانطور که دسترسی نابرابر به الگوها و فرصت‌ها برای انجام نقش‌های انطباقی وجود دارد، دسترسی به نقش‌ها و فرصت‌های نامشروع نیز حالتی نابرابر دارند. در میان افراد محرومیت از وسیله‌های مشروع، ایجاد فشار به سوی فعالیت‌های بزهکارانه می‌کند، ولی اینکه آنها در چه نوع الگوهای بزهکاری دخیل خواهند شد، بستگی به این دارد که جامعه چه فرصت‌های نامشروعی را در اختیار آنها قرار می‌دهد (جوانمرد، ۱۳۹۰: ۱۱۷)

مفهوم محرومیت نسبی نخستین بار توسط رانسنمن ساخته و پرداخته شد و بعد از وی یتزاکي تعريف استفاده کرده و فرمولی ریاضی برای درآمد طبق نظریه محرومیت نسبی ارائه داد (Subramanyam, ۲۰۰۹:۱). به طور کلی، محرومیت نسبی به اختلاف مابین انتظارات ارزشی و قابلیت های ارزشی اشاره داشته و مبتنی بر پنداشت ها و تصوراتی است که بواسطه مقایسه اجتماعی پدید می آید این نظریه اعتراض نتیجه رشد سریعتر انتظارات نسبت به فرصت های واقعی است، به طوری که گروه های که خود را حاشیه ای و فاقد نفوذ می پندارند. (2005:305, Chandra & Angela Williams Foster)

کروسبی پیش شرط های روانشناختی در ظهور محرومیت نسبی را در قالبی تئوریک مشخص ساخته است. وی شش پیش شرط روان شناختی (آگاهی یافتن؛ مقایسه خود با دیگران؛ خود را مستحق دیدن؛ انتظارات گذشته؛ انتظارات معطوف به آینده و مقصر نشناختن خود) برای ظهور محرومیت نسبی عنوان نموده (Pearson, ۲۰۰۹:۴۳). به زعم مور، احساس محرومیت نسبی شامل دو وجه به هم مرتبط است: اول، می بایستی افراد از وجود تفاوت بین خود و دیگران بواسطه فرایند مقایسه اجتماعی آگاهی یابند و؛ دوم، افراد بایستی ارزیابی کرده و قضاوت کنند که آیا وجود تفاوت موجه و مشروع است یا ناموجه و نامشروع. در واقع محرومیت نسبی ناشی از درهم شکسته شدن انتظاراتی است که ریشه در «مشرومیت» ساختار اجتماع دارد. در اینجا مشرومیت به این باور اشاره دارد که نابرابری نهادمند در نحوه توزیع منابع عمده از قبیل قدرت، ثروت و منزلت - لزوماً درست و معقول است. احساس بی عدالتی ممکن است زانی که افراد به صورت دسته جمعی احساس کنند، داخل طبقات پایین اجتماعی از جمله اقلیت های ملی، مذهبی، قومی و یا نژادی قرار گرفته اند، تشدید گردد. این مردم محروم، نظم اجتماعی و طبقات اجتماعی مسلط را در محرومیت گروهی خود مقصر شناخته و از خود در بوجود آمدن چنین وضعیتی سلب مسئولیت می نمایند. بدین سان، احساس محرومیت گروهی، اغلب به ظهور خشم و از خود بیگانگی می انجامد و این امر نیز ممکن است، منجر به نزاع و درگیری بین گروهها و نهادها گردیده و باعث دگرگونی در فرایندهای ساختار بندی گردد. (2003:523, moore)

رویکردهای اقتصادی به بزهکاری:

در مطالعه بزه عده ای نیز عامل اقتصادی را مورد بررسی قرار داده اند. در رویکرد تأثیر

عامل اقتصادی به موضوع بزهکاری، مسئله فقر و بیکاری به طور گسترده مطالعه شده‌اند (کمالی، ۱۳۸۵: ۷۰-۸۰) یکی از این نظریات، نظریه انتخاب عقلانی، است که نظریه‌ای مشترک در جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، اقتصاد و روان بین‌الملل است. لذا به دلیل حالت بین رشته‌ای که دارد مورد توجه صاحب‌نظران معاصر در علوم انسانی است. مهم‌ترین ریشه نظریه انتخاب عقلانی (که اختیار عاقلانه و گزینش معقولانه نیز نامیده شده‌است) از دیدگاه صاحب‌نظران، اقتصاد کلاسیک و نوکلاسیک می‌باشد. اقتصاددانان کلاسیک انسان‌ها را به عنوان جستجوگران منطقی که به دنبال حداکثر کردن سود خویش هستند می‌شناسند. آدمی اهمیت تقسیم کار و اشتغال افراد به مشاغل مختلف را نتیجه منطقی تمایل افراد به مبادله می‌داند که منشأ آن نفع شخصی است. اقتصاددانان نوکلاسیک در ادامه همین راه می‌خواستند علم اقتصاد را براساس تنها اصل مسلمی که انسان در جستجوی تمتع بیشتر با کوشش کمتر است، پایه‌ریزی کنند (قدیری اصلی ۱۳۷۶: ۴-۳۲۳) نظریه انتخاب عقلانی براساس مفروضات و مبانی زیر بنا شده است:

۱. انسان‌ها موجوداتی دارای قصد و نیت هستند.

۲. انسان‌ها سلیق یا منافع خود را براساس اهمیت هر کدام از آنها رتبه بندی می‌کنند.

۳. انسان‌ها در انتخاب روش‌های رفتار از محاسبات عقلانی استفاده می‌کنند.

عقیده لیتل مجرمان در انتخاب عقلانی، نوع عقلانیت پارامتریک را انتخاب می‌کنند. لازم به ذکر است در انتخاب عقلانی، دو نوع عقلانیت پارامتریک و استراتژیک مطرح است. عقلانیت پارامتریک بر انتخاب راه مناسب برای رسیدن به اهداف مشخص با اطلاع از پیامدهای مثبت و منفی عمل از نظر کنشگر بدون در نظر گرفتن دیگران تاکید دارد؛ در حالی که در عقلانیت استراتژیک باید انسان‌های دیگر و کنش‌های آنان در نظر گرفته شود (حامد و پشنگ، ۱۳۸۹: ۳۵). بنابراین اصل محوری در نظریه انتخاب عقلانی، این است که رفتار آدمیان هدف دار و سنجیده است و با محاسبه سود و زیان بر مبنای عقلانیت پارامتریک در چند راهی، راهی را که بیشتر با اهدافشان موافق است و بیشترین سود را برای آن‌ها دارد انتخاب می‌کنند.

گری کر از نظریه پردازان، تئوری انتخاب عقلانی، فرض بیماری، افسردگی و متفاوت

بودن رو بیه مجرمان با یکدیگر را رد کرده و با یک تحلیل صرفاً اقتصادی، رفتار عقلایی مجرمان را مورد تاکید قرار می‌دهد. بر اساس مدل بکر، فرد وقتی در جرم شرکت می‌کنند که منافع مورد انتظار به ازای فعالیت مجرمانه بیش از منفعی است که فرد به ازای صرف زمان و منابعش در دینر فعالیت‌ها به دست می‌آورد. تعداد جرم توسط هر شخص تابع احتمال محکومیت، مقدار مجازات و دیگر متغیرها مانند مقدار درآمد قابل دسترس در فعالیت‌های قانونی و فعالیت‌های غیر قانونی است. از نظر بکر، جرم یک فعالیت اقتصادی است که یک فرد پس از تحلیل هزینه - فایده تنها در صورتی که خالص منافع مورد انتظار ناشی از جرم بیش از منافع فعالیت‌های قانونی باشد در آن شرکت می‌نماید. (موسایی، گرشاسبی فخر، ۱۳۸۹: ۱۴۸)

توسعه ناموزون:

دیدگاه دیگر که انجام رفتار بزهکارانه قاچاق را تحلیل می‌کند نظریه توسعه ناموزون است که میتوان آنرا عامل ایجاد احساس محرومیت، فشار ساختاری، شکاف بین اهداف و ابزار و توزیع نابرابر امکانات و فقر و بیکاری دانست که در نظریه های فوق به آنها اشاره شد. از دیدگاه توسعه نابرابر علل آسیب‌ها و ناهنجاری‌های موجود جامعه ریشه در ساختارهای جامعه دارد. این ساختارها بر بنیان مناسبات و روابط حاکم بر جامعه می‌باشد. در این مناسبات و روابط موجود طبق دیدگاه توسعه نابرابر جامعه به قطب کانون و پیرامون قسیم گشته که قطب مرکزی یا کانون با انحصار تکنولوژیک و کنترل مالی و انحصارات به منابع طبیعی و سلاح‌ها و رسانه‌ها و روابط مناسبات و منابع را در اختیار خود قرار می‌دهد و از آن بهره‌مند می‌شود و قطب پیرامون از بسیاری از منابع و امکانات موجود در جامعه بی‌بهره می‌شوند. این اکثریت پیرامون ناشی از رشد نابرابر و تقسیم ناعادلانه کار، روز بروز فقیرتر و محروم‌تر می‌شود و خود این زمینه ساز بسیاری از کجروی‌ها و معطلات اجتماعی می‌گردد؛ از جمله می‌توان به روی آوردن افراد قطب پیرامون و محروم به سوی قاچاق سوخت اشاره نمود تا بتوانند از راه درآمد آن نیازهای اقتصادی اجتماعی خویش را فراهم کنند.

جمع بندی مباحث نظری:

از نظر تحلیلگران مسائل اجتماعی هر پدیده و مساله‌ای که در جامعه مطرح می‌شود از علل و عوامل مختلفی ناشی می‌شود که می‌تواند ریشه در درون و مسائل شخصیتی و روانی فرد داشته باشد یا اینکه ریشه آن در محیط بیرونی فرد باشد. هرچند که نمی‌توان

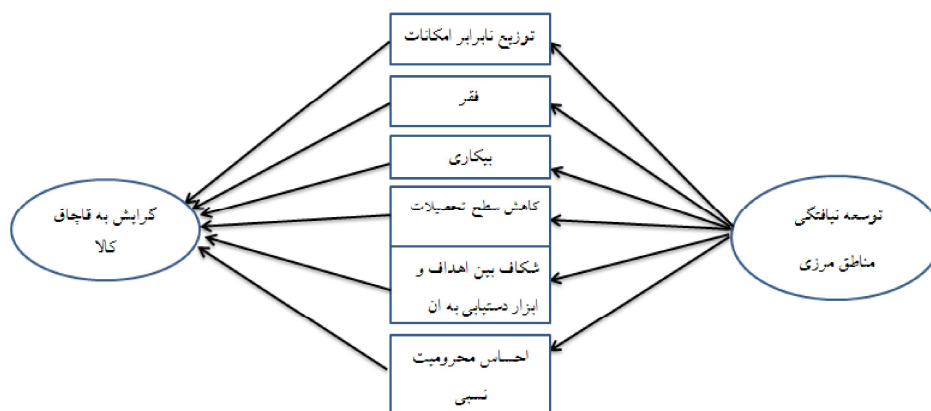
هرکدام از این دیدگاه‌ها را بطور کامل رد کرد یا بطور کامل بعنوان منشاء یک پدیده اجتماعی مورد پذیرش قرار داد؛ اما از آنجایی که دین مبین اسلام بر پاک و معصوم بودن هر انسانی در به تولد تاکید دارد، بنابراین می‌توان گفت ای محیط بیرونی فرد است که از طریق نهادهایی همچون خانواده، مدرسه، گروه‌های همسالان و دولت و سیاستگذاری دولت در بخش‌های مختلف، بر لوح سفید ضمیر انسان به نگارگری می‌پردازند و انسان را به بالاترین درجه انسانیت و یا ا فـل سافلین رهنمون می‌سازند.

قاچاق کالا نیز مانند سایر پدیده‌های اجتماعی تحت تاثیر علل و عوامل مختلفی شکل گرفته و گسترش یافته است. همانطور که در طول پژوهش بارها اشاره شده عوامل سیاسی، اقتصادی، حقوقی و اجتماعی و فرهنگی در شکل‌گیری پدیده قاچاق کالا بعنوان یک جرم، بزه و یا انحراف ا ماعی تاثیر داشته و نادیده گرفتن هرکدام از این عوامل موجب تحلیل نادرست پدیده قاچاق خواهد شد. از طرفی بررسی و تبیین دقیق همه عوامل در یک پژوهش به دلیل حجم آن کاری دشوار خواهد بود، بنابراین پژوهش حاضر با تاکید بر رویکرد اقتصادی و تاحدی جامعه‌شناختی سعی در تبیین علل و عوامل موثر بر قاچاق را دارد. توسعه ناموزون در کشور و توسعه نیافتگی استان‌های مرزی و کم توجهی به آنها به گسترش فقر، بیکاری و احساس محرومیت و تبعیض در مرزنشینان شده و از آنجایی که الگوی بزهکاری در دسترس در شهرهای مرزی قاچاق است طبیعتاً نوع کجروی ناشی از فقر و بیکاری و فشار ساختاری شرکت در قاچاق کالا است که از لحاظ منطق و عقلانیت اقتصادی به صرفه تر از الگوهای دیگر کجروی و حتی کارهای کم درآمد است. به عبارتی دیگر نبود ابزارهای مشروع و اهداف مشروعی که جامعه قبول نموده است منجر به نوآوری بنام قاچاق از سوی مرزنشینان بانه‌ای شده است. در مجموع زمانی که ارزش‌ها، مقررات، نظام ا ماعی منطبق با نیازها و منافع برخی افراد و گروه‌های جامعه نباشند، مورد قبول آنها واقع نگردیده و نهادینه نمی‌شوند. لذا از پشتوانه و حمایت لازم برخوردار نبوده و به هنگام مقتضی نقض و نادیده انگاشته می‌شوند. به نظر می‌رسد نظریه بکر، توسعه ناموزون، فشار ساختاری و آنومی مرتن می‌توانند پدیده قاچاق را تبیین نمایند.

فرضیات تحقیق:

نظریه مأخذ فرضیات	فرضیات	ردج
نظریه انتخاب عقلانی	به نظر می‌رسد بین شغل (نحوه مشارکت در قاچاق؛ کولبر، فروشنده، وارد کننده) و گرایش به قاچاق کالا ارتباط معنی‌داری وجود دارد.	۱
نظریه انتخاب عقلانی	به نظر می‌رسد تفاوت معنی‌داری بین گروه‌های شغلی (نحوه مشارکت در قاچاق؛ کولبر، فروشنده، واردکننده) و زیاده‌خواهی وجود دارد.	۲
-	به نظر می‌رسد بین سن و گرایش به قاچاق کالا ارتباط معنی‌داری وجود دارد.	۳
-	به نظر می‌رسد بین سطح تحصیلات قاچاقچیان و میزان گرایش به قاچاق کالا، ارتباط معنی‌داری وجود دارد.	۴
نظریه محرومیت نسبی توسعه ناموزون	به نظر می‌رسد بین احساس محرومیت نسبی و گرایش به قاچاق کالا ارتباط معنی‌داری وجود دارد بدین معنی که هرچه احساس محرومیت در فرد بیشتر باشد گرایشش به قاچاق کالا بیشتر خواهد بود.	۵
فشار ساختاری مرتن	به نظر می‌رسد بین بیکاری و گرایش به قاچاق کالا ارتباط معنی‌داری وجود دارد	۶
عدالت توزیعی	به نظر می‌رسد بین توزیع نابرابر امکانات و گرایش به قاچاق کالا ارتباط معنی‌داری وجود دارد.	۷
آنومی و فشار ساختاری مرتن	به نظر می‌رسد بین شکاف بین اهداف و ابزار دستیابی به اهداف و پذیرش مشروعیت قاچاق کالا ارتباط معنی‌داری وجود دارد.	۸

مدل تحلیلی تحقیق:



محدوده تحقیق:

محدوده مورد مطالعه پژوهش حاضر شهرستان بانه است. بانه یکی از شهرستان‌های استان کردستان است که در شمال غربی استان و هم مرز با عراق است. این شهرستان با مساحت ۵۵۵۰ کیلومتر مربع در طول جغرافیائی ۴۵ درجه و ۵۳ دقیقه و عرض ۳۵ درجه و ۵۹ دقیقه است. از شمال و قسمتی از مغرب به آذربایجان غربی (شهرستانهای بوکان و سردشت)، قسمتی از مغرب و جنوب به خاک عراق (یشرفتگی شیلر) و از مشرق به شهرستان سقز محدود است. براساس سرشماری سال ۱۳۹۰ جمعیت بانه، ۱۱۶۷۷۳ نفر اعم از مرد و زن می‌باشد.

- روش تحقیق و ابزار جمع آوری اطلاعات:

با توجه به ماهیت موضوع، هدفهای طرح و متغیرهای آن، در پژوهش حاضر از دو روش عمده اسنادی، پیمایشی و استفاده شده و از تکنیک مطالعه سوابق به همراه فیش برداری و تحلیل محتوا برای روش اسنادی، تکمیل پرسشنامه برای روش پیمایشی و استفاده گردیده است.

- جامعه آماری و حجم نمونه:

جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه شهروندان ساکن شهرستان بانه می‌باشد که در کار قاچاق کالا به هرنحوی درگیر هستند. براساس سرشماری سال ۱۳۹۰ جمعیت بانه، ۱۱۶۷۷۳ نفر اعم از مرد و زن می‌باشد که از این میزان جمعیت براساس تخمین کارشناسان در حدود ۵۰۰۰۰ نفر در قاچاق کالا فعالیت دارند.

- حجم نمونه:

با استفاده از فرمول کوکران تعداد حجم نمونه براساس تخمین جمعیت ۵۰ هزار نفری افراد درگیر در قاچاق کالا، حجم نمونه ۳۸۱ نفری برآورد شده است. بعد از گردآوری پرسشنامه‌ها و استخراج داده‌ها، به دلیل در دسترس نبودن و عدم تمایل بخشی از جامعه نمونه (قاچاقچیان) به پاسخگویی به سوالات و حذف پرسشنامه‌های مخدوش شده ۲۷۴ پرسشنامه مورد تأیید نهایی جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات قرار گرفت. واحد تحلیل در پژوهش حاضر نیز فرد می‌باشد.

- روش نمونه گیری:

روش نمونه گیری از مرز بینان به دلیل ویژگی‌های خاص خود از قبیل حضور گروه‌ها و اقشار مختلف جامعه در آن، در چندمرحله صورت گرفته است.

مرحله اول طبق نظر کارشناسان با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی نامتناسب جامعه نمونه به سه دسته کولبران، بازاریان و قاچاقچیان تقسیم شده و ۳۹۰ پرسشنامه را بدون جهت به جمعیت گروه‌های منتخب، بین آنها تقسیم نموده که به هرگروه ۱۳۰ پرسشنامه اختصاص داده شده است.

در مرحله بعد از روش‌های نمونه‌گیری غیر احتمالی استفاده خواهد شد. برای بازاریان

و کولبرها در ابتدا با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند افرادی برای نمونه انتخاب می‌شوند که قادر به ارائه اطلاعات مورد نظر ما هستند، زیرا آنها تنها افرادی‌اند که می‌توانند چنین اطلاعاتی ارائه دهند یا با برخی از معیارهایی که محقق تدوین کرده مطابقت دارند و در مرحله بعد با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس افرادی انتخاب می‌شوند که متمایل به مصاحبه درباره قاچاق هستند.

در ارتباط با قاچاقچیان، از آنجایی که اعضای این گروه به سادگی قابل تشخیص نمی‌باشند از روش نمونه‌گیری گلوله برفی که جز روش‌های غیر احتمالی محسوب می‌شود، استفاده شده است. در این روش پژوهشگر ابتدا افرادی را شناسایی می‌کند و پس از دریافت اطلاعات از آنها می‌خواهد که فرد یا افراد دیگری را به وی معرفی کنند.

- روایی و پایایی پژوهش:

روایی و پایایی پرسشنامه طی چند مرحله محاسبه گردید. برای تدوین اولیه پرسشنامه‌ها، ضمن مطالعه و بررسی سنجه‌ها تحقیقات دیگر، با استفاده از مشاهده و احاطه غیر ساختمند با کارشناسان و افرادی که به نحوی درگیر در پدیده قاچاق هستند، در حدود ۳۷۰ سوال تهیه گردید، سپس مجموعه سوال‌ها در چند مرحله توسط گروهی از متخصصان از نظر محتوا، تکرار و ماده‌های مشابه، مورد بررسی و پالایش اولیه قرار گرفت و در نهایت ۴۵ سوال انتخاب گردید. در ادامه، به منظور بررسی روایی محتوایی و صوری، پرسش‌های طراحی شده در اختیار استادان و دانشجویان مقطع تحصیلات تکمیلی و پژوهشگران مسائل اجتماعی قرار گرفت و از آنان خواسته شد با توجه به شاخص و سنجه درباره میزان مناسبت هر یک از سؤال‌ها نظر بدهند. در این مرحله پاسخگویان، با توجه به استاندارد مورد نظر، شاخص عملکردی و برآیند مربوط به هر سؤال، در قالب طیف ارائه شده، میزان مناسبت هر سؤال را تعیین نمودند و در صورتی که هر یک از سوال‌ها از نظر آنان نیازمند اصلاح بود، در محل پیش‌بینی شده یا روی خود سوال، نظر خود را اعمال کرده بودند.

- نتایج توصیفی:

جمعیت نمونه این تحقیق را ۲۷۴ نفر از شهروندان شهرستان مرزی بانه که در امر

قاچاق کالا مشغول به فعالیت هستند، تشکیل داده‌اند. از میان جمعیت نمونه آماری ۹۴/۹ درصد (۲۶۰ نفر) را مرد و ۵/۱ درصد (۱۴ نفر) را زن تشکیل داده‌اند. ۲۰/۴ درصد (۵۶ نفر) پاسخگویان در رده سنی ۱۵ تا ۲۵ سال قرار دارند، ۲۹/۶ درصد (۸۱ نفر) بین ۲۶ تا ۳۵ سال سن دارند، ۳۲/۵ درصد پاسخگویان (۸۹) در رده سنی ۳۶ تا ۴۵ سال قرار دارند و ۱۲ درصد (۳۳ نفر) از پاسخگویان نیز در رده سنی ۳۶ تا ۴۵ سال جای گرفته‌اند و رده سنی ۵۶ تا ۶۵ سال نیز ۵/۵ درصد معادل ۱۵ نفر از جمعیت پاسخگویان را به خود اختصاص داده است. از لحاظ وضعیت تاهل و مجرد نیز ۲۳ درصد معادل ۶۳ نفر مجرد و ۷۷ درصد بیه یعنی ۲۱۱ نفر متاهل هستند. از کل نمونه ۴۵ نفر معادل ۱۶/۴ درصد بی‌سواد، ۳۹ نفر معادل ۱۴/۲ درصد ابتدایی، ۴۵ نفر معادل ۱۶/۴ درصد راهنمایی، ۷۱ نفر معادل ۲۵/۹ درصد دیپلم و ۳۱ نفر معادل ۱۱/۳ درصد فوق دیپلم، ۳۵ نفر ۱۲/۸ لیسانس و ۵ نفر معادل ۱/۸ درصد فوق لیسانس هستند و ۳ نفر نیز میزان صیلات خود را بیان نکرده‌اند. از لحاظ نحوه فعالیت در امر قاچاق بر اساس تقسیم بندی پژوهش حاضر ۱۲۶ نفر معادل ۴۶ درصد به‌عنوان کولبر مشغول به کارند، ۱۲۱ نفر معادل ۴۴/۲ درصد به‌عنوان فروشنده، ۲۶ نفر معادل ۹/۹ درصد نیز قاچاقچی هستند و ۱ نفر نیز شغل خود را بیان نکرده‌اند. لازم به ذکر است همانطور که در فصل سوم و چهارم نیز ذکر شد ضمانت چی‌ها، رانندگان سه‌اف، صاحبان بار و عمده فروشان که واردکنندگان کالای قاچاق هستند در قالب دسته سوم یعنی قاچاقچیان گنجانده شده‌اند. توزیع پاسخگویان نیز از لحاظ درآمدی به این قرار است که ۱۰۴ نفر معادل ۳۸ درصد از لحاظ درآمدی در سطح ضعیف (کمتر از ۵۵۰ هزار تومان در ماه)، ۹۲ نفر معادل ۳۳/۶ درصد در سطح متوسط (بین ۵۵۱ هزار تا ۸۰۰ هزار تومان)، ۲۹ نفر معادل ۱۰/۶ درصد نیز در سطح خوب (۸۰۱ هزار تا ۱ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان) و ۴۱ نفر معادل ۱۵ درصد نیز در سطح عالی قرار گرفتند که درآمدی بیش از یک میلیون و دویست هزار تومان دارند. ۸ نفر معادل ۲/۹ درصد نیز از ذکر درآمد ماهیانه خود خودداری نموده‌اند. از لحاظ مسکن نیز هرچند در پرسشنامه ۵ رتبه شخصی، رهنی، رهنی- استیجاری، استیجاری و سایر گنجانده شده بود اما بعد از استخراج داده‌ها از پرسشنامه ۲۱۳ نفر معادل ۷۷/۷ درصد دارای مسکن شخصی هستند، ۵۱ نفر معادل ۱۸/۶ درصد در مسکن استیجاری سکونت دارند و ۹ نفر معادل ۳/۳ درصد مسکن رهنی استیجاری سکونت دارند.

- یافته‌های استنباطی:

فرضیه اول: به نظر می‌سد تفاوت معنی داری بین گروه‌های شغلی (نحوه مشارکت در قاچاق؛ کولبر، فروشنده، وارد کننده) و گرایش به قاچاق کالا وجود دارد.

باتوجه به آزمون تحلیل واریانس یک طرفه چون سطح معنی‌داری به دست آمده برابر صفر می‌باشد ($\text{sig}=0.000$)، فرض صفر (فرض تساوی میانگین‌ها) رد می‌شود به یانی دیگر بین نحوه فعالیت در قاچاق کالا و گرایش آنها به قاچاق تفاوت وجود دارد و همانطور که آزمون توکی و شفه نشان می‌دهد میزان گرایش به قاچاق کالا در رده شغلی کولبران برابر با ۱۳,۲۴ است که در کمتر از گرایش فروشندگان (با میانگین ۲۰,۱۵) و قاچاقچیان با میانگین ۲۹,۰۴ بیشترین گرایش را دارا هستند. لازم به ذکر است که رده شغلی قاچاقچیان افرادی از قبیل ضمانتچی‌ها، رانندگان سه‌اف و واردکنندگان کالا و عمده فروشان را در خود جای داده است.

فرضیه دوم: به نظر می‌سد تفاوت معنی داری بین گروه‌های شغلی (نحوه مشارکت در قاچاق؛ کولبر، فروشنده، واردکننده) و زیاده‌خواهی وجود دارد.

باتوجه به آزمون تحلیل واریانس یک طرفه چون سطح معنی‌داری به دست آمده برابر صفر می‌باشد ($\text{sig}=0.000$)، فرض صفر (فرض تساوی میانگین‌ها) رد می‌شود به بیانی دیگر بین نحوه فعالیت در قاچاق کالا و زیاده‌خواهی آنها تفاوت وجود دارد. و همانطور که آزمون توکی و شفه نشان می‌دهد میانگین به دست آمده برای زیاده‌خواهی برای کولبران ۵,۳۶ است که همانطور که در نمودار نیز مشاهده می‌شود کمتر از صنف فروشندگان با میانگین ۸,۸۶ و قاچاقچیان با میانگین ۱۱,۶۵ است. که این میزان میانگین‌ها در پاسخ مصاحبه شونده‌گان میزان تمایل آنها به تغییر شغل فعلیشان با شغل‌های دیگر چه آزاد یا کار دولتی با حقوقی برابر و یا کمتر و همچنین میزان اجبار آنها سنجیده شده است. بنابراین می‌توان گفت که میانگین ۵,۳۶ برای تمایل به تغییر شغل به معنی موافقت زیاد و خیلی زیاد این طبقه برای تغییر شغلشان است به عبارت دیگر فعالیت آنها در امر قاچاق نه براساس زیاده‌خواهی بلکه براساس اجبار است که این امر رده شغلی قاچاقچیان بلعکس است. جدول زیر که در پاسخ به میزان تمایل جامعه نمونه به تغییر شغلشان با شغل دولتی است آمده است به خوبی نماینگر تمایل رده‌های شغلی مختلف است.

باتوجه به آزمون لیل واریانس یک طرفه چون سطح معنی داری به دست آمده برابر صفر می-باشد ($\text{sig}=0.000$)، فرض صفر (فرض تساوی میانگین‌ها) رد می‌شود به بیانی دیگر بین رده‌های سنی مختلف و گرایش آنها به قاچاق کالا تفاوت وجود دارد. رده‌های سنی ۳۶ تا ۴۵ سال (میانگین ۱۸,۸۹) و رده سنی ۱۵ تا ۲۵ سال با میانگین ۱۸,۴۹ بیشترین گرایش را به قاچاق کالا دارند.

رضیه چهارم: به نظرمی ر بین سطح تحصیلات و گرایش به قاچاق کالا ارتباط معنی داری وجود دارد.

باتوجه به آزمون تحلیل واریانس یک طرفه چون سطح معنی داری به دست آمده برابر صفر می-باشد ($\text{sig}=0.000$)، فرض صفر (فرض تساوی میانگین‌ها) رد می‌شود به بیانی دیگر بین میزان تحصیلات مختلف و گرایش به قاچاق تفاوت معنی داری وجود دارد. مقطع تحصیلی فوق دیپلم و لیسانس بیشترین تمایل را به قاچاق کالا دارند و همانطور نمودار نشان می‌دهد چه سطح تحصیلات از فوق دیپلم پایینتر رود گرایش به قاچاق کالا نیز کاهش خواهد یافت دلیل این امر را نیز می‌توان فرار گرفتن کولبران ناراضی در این رنج تحصیلی زیر دیپلم دانست و همچنین میزان گرایش فوق لیسانس و بالاتر که تعداد آنها ۵ نفر است به قاچاق کاهش یافته است در ارتباط با سطح تحصیلات و گرایش به قاچاق کالا بیشترین گرایش را افراد فوق دیپلم داشته و در سطوح پای ر هر چه سطح تحصیلات کمتر شده گرایش نیز کمتر شده است که این امر می‌تواند ناشی از نوع فعالیت افراد درگیر در قاچاق کالا باشد به عبارت دیگر افراد با سطح تحصیلات کمتر در بخش‌های کم سود قاچاق مانند کولبری فعالیت دارند که گرایش کمتری دارند.

- رضیه پنجم: به نظر می‌ر بین احساس محرومیت و گرایش به قاچاق کالا ارتباط معنی داری وجود دارد.

میزان ضریب همبستگی پیرسون بین احساس محرومیت و گرایش به قاچاق کالا ۰,۵۹۸ بوده و سطح معنی داری ($\text{sig}=0.000$) می‌باشد و این بیان می‌کند که فرض صفر (عدم وجود همبستگی بین احساس محرومیت و گرایش به قاچاق کالا) در سطح ۰,۰۱ (و حتی ۰,۰۵) رد می‌شود و در نتیجه می‌توان گفت بین احساس محرومیت و گرایش به قاچاق کالا ارتباط معنی داری وجود دارد که این ارتباط به صورت مثبت و

مستقیم است به این معنی که هرچه بر احساس محرومیت فرد بیشتر شود گرایش فرد به قاچاق کالا بیشتر می‌شود.

فرضیه ششم: به نظر می‌رسد بین بیکاری و گرایش به قاچاق کالا ارتباط معنی‌داری وجود دارد.

میزان ضریب همبستگی پیرسون بین بیکاری و گرایش به قاچاق کالا ۰,۶۲۹ بوده و سطح معنی‌داری (sig=0.000) می‌باشد و این بیان می‌کند که فرض صفر (عدم وجودستگی بین بیکاری و گرایش به قاچاق کالا) در سطح ۰,۰۱ (و حتی ۰,۰۵) رد می‌شود و در نتیجه می‌توان گفت بین بیکاری و گرایش به قاچاق کالا ارتباط معنی‌داری وجود دارد که این ارتباط به صورت مثبت و مستقیم است به این معنی که هرچه بر میزان بیکاری افراد جامعه افزوده شود امکان روی آوری فرد به قاچاق بیشتر می‌شود. لازم به ذکر آنجا که مصاحبه، بیشتر پاسخگویان معتقد بودند که عمده کالاهایی که توسط آنها وارد می‌شود در ایران تولید نمی‌شود بنابراین نمی‌تواند اثر منفی برای ایران داشته باشد. عده‌ای نیز مانند آقای ب. کریمی ۲۹ ساله، کارشناسی ارشد از دانشگاه اصفهان فروشنده در یکی از پاساژهای بانه معتقد است که کاملاً به اثرات منفی قاچاق کالا بر میزان درآمد دولت و بیکاری، حتی اگر کالای وارداتی در ایران تولید نشود آگاهی دارم اما آیا دولت به فکر ما هست که ما نیز به فکر دولت باشیم. ماحتی خواهیم بخاطر اثرات زیانبار قاچاق بر اقتصاد کشور اقدام به قاچاق ننماییم مجبوریم مانند سایر شهرهای غیرمرزی استان کردستان به استانهای دیگر کشور برای کار مهاجرت نماییم. که این امر منشاء آسیبهای و چالشهای روانی و اجتماعی برای خانواده و اجتماع در پی خواهد داشت.

فرضیه هفتم: به نظر می‌رسد بین توزیع نابرابر امکانات و گرایش به قاچاق کالا ارتباط معنی‌داری وجود دارد.

میزان ضریب همبستگی پیرسون بین نگرش منفی به عملکرد دولت و پذیرش مشروعیت قاچاق کالا و اقدام به آن ۰,۳۵۸ بوده و سطح معنی‌داری (sig=0.000) می‌باشد و این بیان می‌کند که فرض صفر (عدم وجود همبستگی بین نگرش توزیع ناعادلانه و تلقی قاچاق به عنوان یک امر مشروع) در سطح ۰,۰۱ (و حتی ۰,۰۵) رد می‌شود و در نتیجه می‌توان گفت بین دو متغیر مذکور ارتباط معنی‌داری وجود دارد که

این ارتباط به صورت مثبت و مستقیم است به این معنی که هرچه بر میزان نگرش توزیع ناعادلانه افزوده شود مشروعیت قاچاق نزد فرد افزوده خواهد شد و اقدام به قاچاق کالا نیز افزونتر خواهد شد.

فرضیه هشتم: به نظر می‌رسد بین شکاف بین اهداف و ابزار دستیابی به اهداف و گرایش به قاچاق کالا ارتباط معنی داری وجود دارد.

میزان ضریب همبستگی پیرسون بین شکاف بین اهداف و ابزار مشروع و پذیرش مشروعیت قاچاق کالا و اقدام به آن ۰,۲۸۵ بوده و سطح معنی‌داری ($\text{sig}=0.000$) می‌باشد و این بیان می‌کند که فرض صفر (عدم وجود بستگی بین شکاف بین اهداف و ابزار مشروع و تلقی قاچاق به عنوان یک امر مشروع) در سطح ۰,۰۱ (و حتی ۰,۰۵) رد می‌شود و در نتیجه می‌توان گفت بین دو متغیر مذکور ارتباط معنی‌داری وجود دارد که این ارتباط به صورت مثبت و مستقیم است به این معنی که هرچه بر شکاف بین اهداف و ابزار مشروع افزوده شود مشروعیت قاچاق نزد فرد افزوده خواهد شد و اقدام به قاچاق کالا نیز افزونتر خواهد شد.

جمع بندی یافته های تجربی و تئوریک:

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه‌ی بین عوامل اقتصادی و گرایش به قاچاق کالا در بین مرزنشینان بانهای صورت گرفته است به عبارتی دیگر این تحقیق درصدد بررسی این سؤال بوده که آیا رابطه‌ی معنی‌داری بین علل و عوامل اقتصادی (از قبیل توزیع عادلانه امکانات بین مناطق مختلف کشور، فشارهای ساختاری از جمله بیکاری و فقر و فقدان ابزار مشروع برای حصول به اهداف مشروع، شکاف بین اهداف و وسایل دستیابی به این اهداف و زیاد خواهی افراد) با گرایش به قاچاق کالا ارتباط معنی‌داری وجود دارد؟ وجود دارد به یانی دیگر، عوامل مذکور (بعنوان متغیر مستقل) چه نقشی در تشدید و ایجاد گرایش و اقدام به قاچاق کالا (متغیر وابسته) داشته‌اند.

تائید فرضیات پنجم، ششم، هفتم و هشتم که به بررسی ارتباط و میزان همبستگی بین بیکاری، احساس محرومیت، توزیع ناعادلانه و شکاف بین اهداف مشروع و وسایل دستیابی به این اهداف همگی موید این مطلب است که یکی از عمده‌ترین دلایل گسترش قاچاق کالا در شهرستان بانه و تبدیل این شهرستان با یکی از قطب‌های قاچاق کالا در

ایران توسعه نیافتگی شهرستان بانه می‌باشد به عبارت دیگر متغیرهای مستقل مذکور همگی نشان از توسعه نیافتگی منطقه را دارند که این توسعه یافتگی و نتایج حاصل از آن به همراه ویژگی‌هایی طبیعی و جغرافیایی و سیاسی منطقه (عدم ثبات در عراق) در نهایت منجر به سوق دادن شهروندان بانه‌ای به قاچاق کالا شده است همانطور که مرتن در نظریه فشار ساختاری خود اذعان می‌کند انفکاک رویای برابری جامعه و موفقیت برای همه از یک سو و نابرابری حقیقی در توزیع فرصت‌ها برای تحقق آن رویا از سوی دیگر ایجاد می‌شود. این نابرابری برای اعضای طبقه پایین و گروه‌های اقلیت بیشترین شدت را دارد (جوانمرد، ۱۳۹۰: ۱۱۲). به عبارت دیگر محرومیت در رسیدن به اهداف و یا وسایل دستیابی به آن باعث ایجاد سرخوردگی و ایجاد تعارض گشته و وقتی افراد جامعه بین اهداف ضابطه‌ها و وسایل نهادی یا امکانات دست نمی‌یابند، تعهد افراد نسبت به جامعه سست شده افراد دست به رفتار انحرافی می‌زنند که یکی از پیامدهای انحرافات و بی‌هنجاری شورش می‌د (ازکیا، رهنما، ۱۳۸۷: ۴۱-۴۰) بنابراین با توجه به نظر مرتن می‌توان گفت توسعه نیافتگی شهرستان بانه و نتایج آن از علل گرایش به قاچاق کالا است. در ارتباط با تأیید فرضیه رابطه معنی‌دار بین بیکاری و تمایل به قاچاق کالا، ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که بیکاری، کاهش تعهد اجتماعی، احساس محرومیت و شکاف بین اهداف و ابزار مشروع به خودی خود مسئول انطباق با رفتار کجروانه نیست به عبارت دقیق‌تر بیکاری و سایر متغیرهای مذکور به تنهایی نمی‌تواند منجر به شرکت فرد در قاچاق کالا گردد و همانطور که کلوارد و اوهلین معتقدند؛ فرد باید در محیط یادگیری کجروانه یا انطباق‌گرایانه باشد که به او امکان دهد مهارت‌ها و توانایی‌های لازم را یاد بگیرد و عمل کند. اندیشمندان مذکور معتقدند همانطور که دسترسی نابرابر به الگوها و فرصت‌ها برای انجام نقش‌های انطباقی وجود دارد، دسترسی به نقش‌ها و فرصت‌های نامشروع نیز حالتی نابرابر دارند. در میان افراد محرومیت از وسیله‌های مشروع، ایجاد فشار به سوی فعالیت‌های بزهکارانه می‌کند، ولی اینکه آنها در چه نوع الگوهای بزهکاری دخیل خواهند شد، بستگی به این دارد که جامعه چه فرصت‌های نامشروعی را در اختیار آنها قرار می‌دهد (جوانمرد، ۱۳۹۰: ۱۱۷) بنابراین عوامل مذکور به همراه عوامل محیطی، بحران و عدم ثبات در کشور همسایه و سیاست‌های اقتصادی متعارض دو کشور همگی فرصت افتراقی مدنظر کلوارد و اوهلین را برای انجام قاچاق مهیا می‌نماید. از طرفی دیگر

انجام هر نوع عمل کجروانه مانند سایر رفتارهای اتماعی نیاز به آموزش برای انجام آنرا دارد که از دیدگاه نظریه پردازان یادگیری، این آموزش از طریق همنشینی و پیوستگی با دیگران آموخته می‌شود دیگرانی که ساترلند درگیر در امر قاچاق هستند. تأیید فرضیه مربوط به میزان ارتباط و همبستگی بین ارتباط با افراد درگیر در کار قاچاق کالا و پذیرش و انجام قاچاق بصورت رابطه مثبت و مستقیم حاکی از تأیید نظریات این اندیشمندان در حوزه جامعه آماری پژوهش حاضر است. البته یکی دیگر از عوامل ایجاد و افزایش گرایش به قاچاق کالا که نباید از آن غافل ماند میزان زیادی خواهی افراد هست که همانطور که در آمار توصیفی و فرضیات یک و دو حاکی از این امر است بین سه طبقه شغلی کولبر، فروشنده و قاچاقچیان، گروه ابر بیشتر تمایل و گرایش را به قاچاق کالا داشته و حتی حاضر نشده کار خود را در صورت امکان با یک کار دولتی عوض نمایند. در این میان کولبران کمترین گرایش را به قاچاق کالا داشته‌اند بطوریکه طبق تقسیم‌بندی میزان گرایش این گروه در دسته اجبار قرار گرفته و مشغولیت خود را در امر قاچاق از سر اجبار بیان نموده‌اند.

پیشنهادهای:

ایجاد مناطق آزاد تجاری صنعتی: از آنجا که فعالیت‌های اقتصادی در یک منطقه آزاد از بعضی معافیت‌های مالیاتی و گمرکی برخوردار است. انگیزه لازم برای قاچاق کالا و فعالیت‌های زیرزمینی کاهش پیدا می‌کند. بنابراین ایجاد منطقه آزاد تجاری صنعتی در کردستان می‌تواند به کاهش فعالیت‌های غیررسمی (قاچاق کالا) کمک نماید. علاوه بر این مناطق آزاد تجاری صنعتی با جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، ضمن فراهم نمودن زیرساخت‌های فناوری-های نوین به داخل کشور و گسترش صادرات کشور، با رشد و توسعه اقتصادی استان کردستان و ایجاد فرصت‌های شغلی بیشتر برای نیروهایومی میزان محرومیت استان کردستان را کاهش داده است که این امر می‌تواند در پرکردن شکاف بین دولت و مردم منطقه، کاهش نگرش منفی و احساس محرومیت مردم، با افزایش تعهد اجتماعی معضل قاچاق را بطور کلی از بین ببرد.

توزیع عادلانه کارت‌های بازرگانی بین کولبران بعنوان قشر آسیب‌پذیر: کارت‌های بازرگانی مخصوص روستانشینان مرزی است که به منظور کاهش قاچاق و اشتغالزایی و رفاه مردم منطقه از طریق ارتقای معیشتی و کاهش موقت بیکاری بوده است اما توزیع

ناهماهنگ و غیرکارشناسانه این کارتها در بین مردم منطقه، نوعی نارضایتی و احساس تبعیض و تفاوت را به دنبال داشته که بر افزایش نگرش منفی مردم به دولت و کاهش تعهد اجتماعی بعنوان عوامل موثر بر قاچاق کالا موثر بوده است.

تقویت اقتصادی شر ضعیف کولبران: طبق نتایج تحقیق کولبران بعنوان یکی از عاملان اصلی قاچاق کالا به دلیل فقر اقتصادی و بیکاری به ابزاری برای امین منافع و زیاده خواهی های افراد سودجو و قاچاقچی درآمده اند. این افراد بیشترین هزینه (خطرات جانی، بازداشت و ...) و کمترین سود را دریافت می کنند بنابراین طبق فرضیات یک ودو پژوهش حاضر کمترین گرایش را به قاچاق کالا دارند و کار خود را از سر اجبار انجام می دهند.

شناسایی پتانسیل های اقتصادی و کشاورزی روستاهای مرزی شهرستان بانه با استفاده از تخصصین جهاد کشاورزی و اداره کار و اعطای وام های خوداشتغالی به مردم این مناطق و ایجاد تسهیلات و بازاریابی برای فروش محصولات تولید شده در این روستاها. کاهش محدودیت های مربوط به حجم و سقف مبادلاتی مربوط به بازارچه های مرزی و نوع اجناس وارد شده و ثبات در قوانین و مقررات مربوط واردات:

یکی دیگر از مواردی که حین مصاحبه پرسشگران با آن برخورد نموده که در قاچاق کالا موثر بوده؛ تعیین محدودیت های برای میزان مبادلات و نوع اجناس وارد شده از طریق بازارچه ها است. به گفته سعید یکی از فروشندگان؛ تعیین سقف محدودی برای واردات باعث شده که فروشندگان مازاد تقاضای خریداران را از طریق قاچاق وارد کرده همچنین گاهی بعضی از کالاها که قبلاً مجوز ورود داشته ناگهان مجوز ورود آن لغو شده و بازرگانی که به امید مجوز ورود صادر شده از قبل خرید کرده است ناچار است کالاهایش را از طریق راه های غیر قانونی وارد نماید.

کاهش بورکراسی و کاغذ بازی مربوط به واردات از طریق بازارچه های مرزی که گاهی ورود یک کالا را تا چندین روز و هفته به تاخیر خواهد انداخت. بنا به گفته یکی واردکنندگان عمده کالا، یکی از راه های رقابت در بازار تامین به موقع جنس مورد تقاضای مشتری است که اگر بخواهم از طریق روال عادی بازارچه مرزی و گمرک وارد نمایم گاهی بدون دلیل تا چندین روز طول خواهد کشید که این به معنی از دست دادن مشتریان و

شکست بنابراین ناچارم اجناس را از طریق قاچاق وارد نمایم.

تناسب مجازات با مجرمان: برخلاف اکثر پژوهش‌هایی که بر تشدید مجازات به عنوان عامل جلوگیری از جرم تاکید می‌نمایند، نگارندگان پژوهش حاضر بنابر مشاهدات میدانی و مصاحبه‌های صورت گرفته و آشنایی با بافت فرهنگی منطقه معتقدند که از آن جهت که عاملان اصلی قاچاق و صاحبان بار خود در حمل و نقل کالای قاچاق دخالت نمی‌کنند بنابراین کمتر بازداشت شده و مجازات می‌وند بلکه عمده افراد بازداشتی از قشر آسیب پذیر جامعه هستند که سر اجبار اقدام به این کار می‌مایند بنابراین تشدید مجازات اکثر اوقات نمی‌تواند منجر به کاهش جرم باشد مگر در که اقدام به قاچاق از سر زیاده‌خواهی باشد نه از سر اجبار. بنابراین تشدید مجازات با هدف کاهش قاچاق بیشتر در مورد عوامل اصلی صادق است. از طرفی تشدید مجازات برای قشرهای آسیب پذیر و افزایش فشار به آنها بنابه نظر جامعه شناسان منطقه امکان گرایش این افراد را به گروه‌های مختلف مذهبی و سیاسی مخالف نظام را افزایش می‌دهد و تهدیدات ایتی را افزایش خواهد داد.

منابع و ماخذ:

۱. احمدی، عبدالله (۱۳۸۵)، جرم قاچاق یا آنومی اقتصادی، تهران: نشر میزان.
۲. ازکیا، مصطفی، راهنما، یوسف (۱۳۸۶)، بررسی عوامل اجتماعی موثر بر قاچاق سوخت مطالعه موردی: باغ شایگان مهاباد، پژوهش نامه علوم اجتماعی، سال دوم/شماره دوم.
۳. ایراندوست، منصور (۱۳۸۹)، بررسی علل و عوامل موثر در پیدایش و گسترش قاچاق کالا در کردستان، اولین همایش علمی - تخصصی قاچاق کالا، کردستان، فرماندهی انتظامی.
۴. پوران، رضا (۱۳۸۹)، بررسی علل، آثار و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی واردات الاهی قاچاق در ایران، اولین جشنواره فرخوان مقالات اقتصاد سالم. ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز.
۵. تاری، فتح‌الله، غلامی باغی، سعید (۱۳۸۹)، تاثیر متقابل فرهنگ و قاچاق کالا،

ماهنامه مهندسی فرهنگی، سال چهارم، شماره ۴۲-۴۱.

۶. تهران امروز (۱۳۹۲)، پرونده ۱۴ میلیاردی قاچاق کالا، ۱۸ تیر.

رحمانی، ژاله (۱۳۹۰)، بررسی عوامل موثر بر قاچاق کالا و ارز و تاثیر آن بر اقتصاد ملی، برگرفته از سایت: <http://old.maslahat.ir>

۷. جوانمرد، بهروز (۱۳۹۰)، نظریه ای بی‌سامانی اجتماعی، بی‌هنجاری و فشار، فصلنامه تعالی حقوق، سال سوم، شماره ۱۲.

۸. چمراسی، محمدطاهر (۱۳۹۰)، آسیب شناسی نظری و بروز کج رفتاری‌های اجتماعی برگرفته از سایت: <http://ghandil2012.blogfa.com/post/7>

۹. خداکریمی، همناز (۱۳۸۹)، نزدیکی اروپا و سود حاصل از قاچاق کالا و الکل و تئوری توطئه در استان کردستان، او ن همایش علمی- تخصصی قاچاق کالا، کردستان، فرماندهی انتظامی.

۱۰. رابینگتن، ارل و؛ واینبرگ، مارتین (۱۳۸۳). رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی. رحمت الله صدیق سروسستانی. تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۱۱. سلطانی‌نژاد، موسی (۱۳۸۹)، پیامدهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی مصرف کالاهای خارجی و قاچاق، اوین جشنواره فرخوان مقالات اقتصاد سالم. ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز.

۱۲. صوفی، لمیرضا (۱۳۸۳) نقش پلیس در کنترل و مبارزه با جرایم اقتصادی، تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد ناجا.

۱۳. عبدالمحمدی، امیر (۱۳۹۰)، مطالعه و بررسی عوامل اجتماعی موثر بر قاچاق کالا در ایران، فصلنامه نظم و امنیت انتظامی، شماره سوم، سال دوم.

۱۴. قدیری اصلی، باقر، (۱۳۷۶)، سیر اندیشه اقتصادی، تهران: انتشارات دانشگاه

تهران

۱۵. کمالی، علی (۱۳۸۵)، مقدمه‌ای بر جامعه شناسی نابرابری‌های اجتماعی، تهران، سمت، چاپ دوم.

۱۶. موسایی، میثم و گرشاسبی فخر، سعید(۱۳۸۹)، بررسی رابطه بین بیکاری و قاچاق مواد مخدر، مسائل اجتماعی ایران، سال اول، شماره ۲.

۱۷. وطن پور، علی‌رضا(۱۳۸۹)، مباحث پایه‌ای و رهیافت‌های الگاتی پیرامون قاچاق کالا، فصلنامه کارگاه، دور دوم، شماره ۸.

۱۸. حامد، بیتا و پشنگ، سپیده(۱۳۸۹)، بررسی دلایل اقتصادی، اجتماعی و انتظامی سرقت در شهر کرمانشاه، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال پنجم، شماره شانزدهم.

۱۹. هزارجریبی، جعفر(۱۳۹۰)، بررسی احساس عدالت اجتماعی و عوامل موثر بر آن(مطالعه موردی شهر تهران)، ه شناسی کاربردی، سال بیست و دوم، شماره بیایی (۴۳)، شماره سوم.

منابع لاتین:

1. Subramanyam, Malaviki(2009), Relative Deprivation In Income And Self-Rated Health In The United States, Social Science & Medicine, Journal Homepage: [Www.Elsevier.Com/Locate/Socscimed](http://www.Elsevier.Com/Locate/Socscimed)
2. Moore, Dahlia(2003), Perception Of Sense Of Control, Relative Deprivation, And Expectations of Young Jews And Palestinians In Israel, The Journal Of Social Psychology, Vol 143. No. 4
3. Chandra, Siddharth& Williams Foster, Angela (2005), The "Revolution Of Rising Expectations,"Relative Deprivation, And The Urban Social Disorders Of The 1960s, Social Science History. Vol.29.
4. Pearson, Julie(2009), Perceived Deprivation In Active Duty Military Nurse Anesthetists, Aana Journal. Vol. 77, No. 1